

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

ب □ الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام

تقدیم به:

عقلانیت و اخلاق

الکوی جهان کراپی اسلامی
در اندیشه سیاسی امام خمینی (و)

تألیف:

محمود پروانه

با مقدمه

دکتر سید محمد رضا احمدی طباطبایی

فهرست مطالب

| | |
|---|-----------|
| سخن ناشر..... | ۱۱ |
| مقدمه..... | ۱۳ |
| فصل ۱. کلیات..... | ۱۷ |
| ۱-۱. تعریف مسأله، اهمیت و سؤال‌های اصلی پژوهش..... | ۱۷ |
| ۲-۱. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق..... | ۱۸ |
| ۳-۱. فرضیه پژوهش..... | ۲۰ |
| ۴-۱. اهداف پژوهش..... | ۲۱ |
| الف) اهداف نظری..... | ۲۱ |
| ب) اهداف کاربردی..... | ۲۱ |
| ۵-۱. ساختار تحقیق..... | ۲۲ |
| فصل ۲. صورت‌بندی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره)..... | ۲۵ |
| مقدمه..... | ۲۵ |
| ۱-۲. شناخت شناسی..... | ۲۶ |
| ۱-۱-۲. امکان و روایی معرفتی..... | ۲۶ |

| | | |
|----|----------------------------|-------|
| ۲۸ | مراتب شناخت | ۲-۱-۲ |
| ۳۰ | روش شناسی | ۲-۲ |
| ۳۰ | جامعیت روشی | ۱-۲-۲ |
| ۳۱ | تلازم و رابطه روش‌ها | ۲-۲-۲ |
| ۳۳ | عقلانیت، روش جهانی | ۳-۲-۲ |
| ۳۵ | هستی شناسی | ۳-۲ |
| ۳۶ | روش | ۱-۳-۲ |
| ۳۶ | کانون | ۲-۳-۲ |
| ۳۷ | وحدت | ۳-۳-۲ |
| ۳۸ | نظام احسن و تعادل | ۴-۳-۲ |
| ۴۰ | غایت‌مندی | ۵-۳-۲ |
| ۴۱ | قانون‌مندی | ۶-۳-۲ |
| ۴۱ | قداست | ۷-۳-۲ |
| ۴۱ | انسان‌شناسی | ۴-۲ |
| ۴۱ | اهمیت و صعوبت شناخت | ۱-۴-۲ |
| ۴۲ | ابعاد و مراتب وجودی | ۲-۴-۲ |
| ۴۵ | فلسفه آفرینش انسان | ۳-۴-۲ |
| ۴۵ | فطرت | ۴-۴-۲ |
| ۵۵ | عقلانیت | ۵-۴-۲ |
| ۵۷ | اختیار | ۶-۴-۲ |
| ۵۸ | انسان و تربیت | ۷-۴-۲ |
| ۶۳ | جامعه شناسی | ۵-۲ |
| ۶۳ | چرایی اجتماع | ۱-۵-۲ |
| ۶۵ | یگانگی اجتماعی | ۲-۵-۲ |

فهرست مطالب ۷

| | |
|----|---|
| ۶۷ | ۲-۵-۳. نظم ارگانیک..... |
| ۶۸ | ۲-۵-۴. اصالت فرد و جامعه..... |
| ۶۹ | ۲-۵-۵. جامعه و حکومت..... |
| ۷۲ | ۲-۶-۶. فرجام شناسی..... |
| ۷۳ | ۲-۶-۱. فطرت، آرمان منجی و موعودگرایی..... |
| ۷۶ | ۲-۶-۲. اعتلای آخرین..... |

فصل ۳. رویکرد جهان‌گرایی اسلامی امام خمینی (ره)..... ۸۷

| | |
|-----|--|
| ۸۷ | ۳-۱. جهان‌گرایی..... |
| ۸۸ | ۳-۱-۱. جهانی شدن مدرن..... |
| ۹۶ | ۳-۱-۲. اسلام و رسالت جهانی..... |
| ۱۰۱ | ۳-۱-۳. شباهت‌ها و تفاوت‌ها..... |
| ۱۰۸ | ۳-۲. رویکرد جامع جهان‌گرایی اسلامی..... |
| ۱۰۸ | ۳-۲-۱. رویکردهای جهان‌گرایی اسلامی مقارن نهضت امام خمینی (ره)..... |
| ۱۰۹ | الف) رویکرد ویرانگر..... |
| ۱۱۰ | ب) رویکرد منفعل..... |
| ۱۱۱ | ج) رویکردهای فعال..... |
| ۱۱۷ | ۳-۲-۲. رهیافت اول: نظم سیاسی، منافع ملی، مسئولیت‌های فراملی..... |
| ۱۲۱ | ۳-۲-۳. رهیافت دوم: تحدید مسئولیت‌های فراملی..... |
| ۱۲۳ | ۳-۲-۴. رویکرد جامع امام خمینی؛ دیالکتیک تنافع..... |
| ۱۲۳ | الف. نقد امام به رویکردهای مقارن..... |
| ۱۳۰ | ب. علل شکل‌گیری رویکرد امام..... |
| ۱۳۶ | ۳-۳. صدور انقلاب به مثابه نقشه راه..... |
| ۱۳۶ | ۳-۳-۱. پیشینه و چرایی..... |

- ۱۳۸.....۲-۳-۳. صدور؛ دو زیستی راهبردی
- ۱۴۱.....۳-۳-۳. ماهیت، اصول و روش صدور
- ۱۵۰.....جمع‌بندی فصل
- فصل ۴. ارکان الگوی جهان‌گرایی امام خمینی (ره).....۱۵۵
-مقدمه ۱۵۵
-۱-۴. تحقق حکومت اسلامی کارآمد ۱۵۶
-۱-۴-۱. تشکیل نظام سیاسی اسلامی ۱۵۶
-الف. چرایی حکومت اسلامی ۱۵۶
-ب. چیستی حکومت اسلامی ۱۶۰
-ج. چگونگی تحقق حکومت اسلامی ۱۶۲
-۲-۱-۴. کارآمدی ۱۶۷
-الف) کارآمدی در نگاه امام خمینی ۱۶۸
-ب) نظریه کارآمدی: تفاهم ساختار و مبنا ۱۷۱
-جمع‌بندی ۱۷۹
-۲-۴. وحدت امت ۱۸۱
-۱-۲-۴. وحدت در اندیشه فلسفی و عرفانی امام خمینی ۱۸۲
-۲-۲-۴. ملیت و اتحاد اسلامی ۱۸۴
-الف) ملیت؛ واقعیت طبیعی ۱۸۵
-ب) امت؛ هویت اصیل ۱۸۶
-ج) تنافر ملیت‌گرایی و امت ۱۸۷
-۳-۲-۴. نظریه وحدت اسلامی: تقریب در نظر، وحدت در عمل ۱۹۱
-الف) اختلاف طبیعی و معقول ۱۹۱
-ب) تقریب نظری ۱۹۳

فهرست مطالب □ ۹

| | |
|------------|--|
| ۱۹۴..... | ج) اتحاد عملی..... |
| ۲۰۰..... | جمع‌بندی..... |
| ۲۰۲..... | ۳-۴. طلب اصلاح در نظام بین الملل..... |
| ۲۰۲..... | ۱-۳-۴. نقد نظام بین‌المللی نامطلوب کنونی..... |
| ۲۰۳-۴..... | ۲-۳-۴. نظریه: طلب اصلاح در نظام جهانی، مبتنی بر فطرت، عدالت، |
| ۲۰۴..... | تسالم و مبارزه..... |
| ۲۰۵..... | الف) راهبردها..... |
| ۲۰۹..... | ب) اصول اصلاح طلبی در نظام بین‌الملل..... |
| ۲۱۸..... | ج) آرمان‌گرایی واقع‌بینانه..... |
| ۲۲۰..... | جمع‌بندی..... |
| ۲۲۳..... | نتیجه‌گیری..... |
| ۲۳۱..... | فهرست منابع..... |
| ۲۴۳..... | نمایه‌ها..... |

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم، سوره مبارکه النمل، آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق علیه السلام که از سوی ریاست دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند.

از این حیث «تربیت» را می توان مقوله ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می سازد.

از سوی دیگر «سیاست ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست ها در گرو انجام پژوهش های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. از این منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان های فکری و اجرایی به حساب می آیند و نمی توان آینده درخشانی را بدون توانایی های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق علیه السلام در واقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که بیش از «ربع قرن» تجربه دارد و هم اکنون ثمرات نیکوی این شجره طیبه در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود در طلیعه دور جدید فعالیتش بتواند به توسعه و تقویت آنها در پرتو عنایات حضرت حق تعالی، اهتمام ورزد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق علیه السلام با توجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آنها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت. (ان شاء الله)

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

جهانی که ما در آن زندگی می‌کنیم به کشورهای مختلف با نقشه جغرافیایی خاص تقسیم شده است. نقشه جغرافیایی کشورها، وسعت سرزمین و ترکیب جمعیتی و قومی کشورها علی‌الاصول بر پایه تراضی و انتخاب ملل واقوام مختلف شکل نگرفته بلکه عمدتاً در بستر حوادث تاریخی و کشمکش‌ها و جنگ‌های گوناگون و متناوب و یا به دنبال مبارزات استقلال‌طلبانه ملت‌ها به ویژه در دوران معاصر پدیدار شده است. در دوران معاصر امپراتوری‌های بزرگی مانند امپراتوری عثمانی به تدریج دچار فروپاشی شده و از درون آنها کشورهای جدید و مستقلی پا به عرصه وجود نهاده و در جامعه بین‌الملل شخصیت حقوقی مستقل یافته‌اند. در کشورهای گوناگون و متکثر جهان امروز حکومت‌ها به نمایندگی از ملت‌های خود به دنبال کسب هر چه بیشتر منافع و دفع هر چه افزونتر ضرر و یا تهدید از قلمرو جغرافیایی خود هستند. قدرت اقتصادی، نظامی همبستگی و اراده ملی و سرمایه‌های اجتماعی ابزارهای مادی و معنوی کشورها در تعقیب منافع و مصالح خود در جامعه بین‌الملل محسوب می‌شوند. منافع ملی از ترکیب دو واژه منافع (Interest) و ملی (National) تشکیل شده است. هر یک از دو واژه یاد شده در واقع مفهومی انتزاعی از مصادیق خارجی و انضمامی است. در

مورد مصادیق عینی منافع ملی و این که کشورها بر اساس اهداف خود چگونه و در چه دایره‌ای می‌بایست به تعقیب آن پردازند مباحث پرمایه‌ای بر اساس رویکردهای مختلف در نظریات مربوط به روابط بین‌الملل عنوان شده است. مکتب واقع‌گرایی در روابط بین‌الملل که مورگنتا از مهمترین نظریه پردازان آن محسوب می‌شود بر این باور است که مفهوم منافع ملی در سطح جامعه بین‌المللی از عینیت یکسان برخوردار است و برای تمام کشورها بدون ملاحظه نظام ارزشی احیاناً متفاوت آن‌ها یکسان قابل تعقیب است. در این رویکرد منافع ملی بر پایه قدرت ملی تعریف می‌شود. قدرت ملی هر کشور ایجاب می‌کند که اهداف و منافع ملی از سوی دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی هر کشور در چارچوب و دایره توان و قدرت آن کشور تعریف شود نه ورای آن. در مکتب واقع‌گرایی محدودیت منابع و زمینه‌های تحقق اهداف در جامعه بین‌الملل، دلیل عمده این آموزه تلقی می‌گردد. البته در مقابل این نظریه واقع‌گرایانه، دیدگاه‌ها و رویکردهای انتقادی دیگری نیز مانند دیدگاه جمیز رزنا مطرح شده است که تلاش می‌کند منافع ملی کشورها را با توجه به زمینه‌های هنجاری مورد ملاحظه و مذاقه قرار دهد. لازم به یادآوری است که به هر شکل تحقق اهداف ملی و کسب منافع در جامعه بین‌الملل از سوی هر کشور منوط به حسن تدبیر و موفقیت دستگاه سیاست‌گذاری و سیاست خارجی هر کشور در تعامل با دیگر کشورها در سطح فراملی است. موضوع مناقشه برانگیز دیگری که در این حوزه قابل طرح است مسأله رابطه منافع ملی و سیاست‌های فراملی به ویژه در نظام‌های سیاسی ایدئولوژیک و هنجاری است. از آنجا که نظام‌های ایدئولوژیک بر پایه آموزه‌های هنجاری برای خود رسالتی فراملی قائلند موضوع رابطه و نسبت منافع ملی و سیاست‌های فراملی از چالش‌های مهم

نظری و عملی در این دسته از نظام‌های سیاسی محسوب می‌شود. در این اثر پژوهشی که حاصل تلاش قابل تقدیر جناب آقای محمود پروانه در پایان نامه کارشناسی ارشد «اندیشه‌های سیاسی در اسلام» است، نگارنده کوشیده است نسبت میان منافع ملی با سیاست‌های فراملی را در نظام جمهوری اسلامی ایران با توجه به اندیشه‌های بنیانگذار نظام اسلامی در ایران و عمدتاً با رویکرد درون دینی مورد بررسی و مطالعه قرار دهد و راهی جهت برون رفت از تعارض ظاهری و احتمالی میان دو حوزه یاد شده با رویکردی درون دینی و معطوف به نظریات امام خمینی در حوزه دیانت، سیاست و روابط بین‌الملل پیدا نماید.

دکتر سید محمدرضا احمدی طباطبایی



کلیات

۱-۱. تعریف مسأله، اهمیت و سؤال‌های اصلی پژوهش

انقلاب اسلامی ایران برای خود رسالتی جهانی قائل است. این رویداد، خود را جزء و زمینه‌ساز جریانی می‌بیند که آرمان آن از جهان‌گیری (تشکیل حکومت جهانی اسلام) تا جهان‌داری (عالم‌گیرشدن اسلام و تحقق تمدن جهانی آن) به رهبری امام موعود (عجل الله فرجه الشریف) می‌باشد، لذا برای گسترش نفوذ اسلام در جهان تلاش می‌کند. این رویکرد فراملی در سیره نظری و عملی انقلاب اسلامی ایران و رهبرانش بخصوص بنیان‌گذار آن به خوبی قابل درک است.

در مواجهه با چنین رویکردی و با وجود گذشت سه دهه از پیروزی انقلاب اسلامی، هنوز برای عده‌ای از مردم که در میان همه اقشار نمایندگانی دارند این سؤال مطرح است که با توجه به مسائل و مصالح داخلی چرا باید در بیرون از مرزهای ملی و برای انجام رسالت‌های جهانی اسلامی هزینه پرداخت کنیم.

درپس این موضوع سؤالات اساسی و چالش برانگیزی پیش می‌آید. مانند اینکه آیا اساساً چنین رسالت و مسئولیت‌های جهانی در عصر غیبت

امام معصوم (علیه السلام) برای مسلمانان متصور است؟ در صورت ایجاد تزاخم بین منافع ملی با مسئولیت‌های فراملی نظام اسلامی، اولویت با کدام یک می‌باشد؟ در پاسخ به این پرسش‌های اندیشناک رویکردهای متفاوتی ارائه شده است.

این تحقیق تلاش کرده است ضمن تبیین تفاوت‌های رویکردی امام مبنی بر اندیشه ایشان، مؤلفه‌های چگونگی حرکت جمهوری اسلامی ایران و امت اسلام به سمت جلوی را در قالب یک الگوی عملیاتی برای توسعه حوزه نفوذ اسلام و تحقق اهداف جهان‌گرایانه طراحی نماید که از آن تعبیر به جهان‌گرایی اسلامی کرده‌ایم.

سؤال اصلی تحقیق به این صورت می‌باشد که ماهیت و ارکان الگوی جهان‌گرایی اسلامی در اندیشه سیاسی امام خمینی چیست؟

سؤال‌های فرعی را می‌توان در سه سؤال زیر خلاصه کرد: ۱. جهان‌گرایی اسلامی چیست و تفاوت آن با انواع متفاوت و رقیب بخصوص جهانی‌شدن و جهانی‌سازی مدرن کدام است؟ ۲. انواع رویکردهای جهان‌گرایانه اسلامی مقارن نهضت امام خمینی در ایران کدامند؟ ۳. نقد وارد بر این رویکردها مبنی بر اندیشه امام و تفاوت‌های رویکردی ایشان کدام است؟

۲-۱. پیشینه و ضرورت انجام تحقیق

بررسی نسبتاً کاملی در بین آثار در دسترس شامل کتب، مقالات، پایان‌نامه‌ها و سایت‌های اینترنتی مرتبط با موضوع تحقیق در مراکز مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، کتابخانه ملی ایران و غیره و چند نرم‌افزار صورت گرفت. در میان آثار بررسی شده مواردی به صورت جزئی با

موضوع پژوهش ارتباط برقرار می‌کند، تعدادی در دایره اندیشه امام خمینی نیست و برخی نیز جنبه علمی و پژوهشی ندارد. لذا نبود اثر علمی مستقل و جامع در موضوع این تحقیق و از طرفی اهمیت آن، ضرورت این پژوهش را روشن می‌سازد.

تعدادی از آثار بررسی شده به شرح زیر است:

- «درآمدی بر نظریه سیاسی امام خمینی» تألیف دکتر محمدرضا دهشیری، می‌تواند در استخراج مؤلفه‌های تحقیق مؤثر باشد اما کل پژوهش را پوشش نمی‌دهد و ارتباط مستقیم با موضوع ندارد.

- آثاری همچون «حکومت جهانی امام عصر و نظریه جهانی شدن در عصر ما» نوشته بهرام اخوان کاظمی، «جهانی‌سازی مهدوی و جهانی‌سازی غربی» اثر محمد حکیمی و چند نمونه دیگر از این دست بیشتر به حکومت آرمانی اسلامی پرداخته‌اند و همچنین در حوزه اندیشه امام خمینی نیستند.

- مجموعه‌های متعدد موضوعی در اندیشه و آثار امام منتشر شده است همچون «امام خمینی و صدور انقلاب»، «امت و ملت از دیدگاه امام خمینی»، «جهان اسلام از دیدگاه امام خمینی»، «مهدویت در منظر امام خمینی (ره)» و غیره که این آثار به نحو جزئی با موضوع پژوهش ارتباط برقرار می‌کنند.

- آثار ارزشمندی همچون «مصلحت و سیاست؛ رویکردی اسلامی» اثر اصغر افتخاری، «هندسه سیاسی امام خمینی؛

چارچوب نظری و راهبردی در اندیشه سیاسی امام خمینی» تألیف محمدباقر حشمت زاده، «مبانی تصمیم‌گیری استراتژیک امام خمینی» اثر زهرا فروتنی و غیره که تألیفات مناسبی در اندیشه امام هستند اما مستقیم به موضوع این تحقیق نپرداخته و در برخی جزئیات همپوشانی دارند.

- مقالاتی همچون «جهانشمولی اسلام و جهانی‌شدن» (مجموعه مقالات)، «اسلام و جهانی‌شدن» اثر عمادافروغ، «راهکار وحدت سیاسی اسلام در اندیشه امام خمینی» تألیف محمداکرم عارفی، و کتبی مانند «اسلام و جهانی‌شدن» اثر یوسف قرضاوی، «اسلام و صلح جهانی» از سیدقطب، «حکومت جهانی اسلام و سیاست جهانی، به سوی حکومت جهانی امام مهدی» متعلق به علی اکبر حصاری، «تصمیم‌گیری استراتژیک (مطالعه موردی رویکرد موعود‌گرای شیعه)» اثر غلامرضا گودرزی و غیره که هر کدام به طور غیرمستقیم و جزئی با این تحقیق ارتباط دارد و به نوع رویکرد خاص امام خمینی نیز نپرداخته‌اند.

۱-۳. فرضیه پژوهش

در الگوی نظری و سیره عملی امام خمینی (ره) از ابتدای نهضت، جهان‌گرایی اسلامی بارویکردی مبتنی بر عقلانیت و فطرت انسانی وجود داشته که بر سه پایه تأسیس و تحقق حکومت اسلامی کارآمد در سطح ملی، انسجام امت و

شکل‌گیری وحدت کشورهای اسلامی (سطح منطقه‌ای) و اصلاح نظام بین‌الملل (سطح جهانی) استوار شده است.

این فرضیه مبتنی بر مبانی نظری و ماهیت صورت‌بندی اندیشه امام خمینی و درک مناسبی از رویکرد جامع ایشان است که تلاش شده است به آنها پرداخته شود.

۱-۴. اهداف پژوهش

الف) اهداف نظری

یک. بازشناسی و ارزیابی طرح نسبتاً جامع نظری از امام خمینی (ره) در قالب یک الگوی تحلیلی، واقعی و عملیاتی برای توسعه حوزه نفوذ اسلام در جهان.

دو. تبیین یک الگوی با رویکرد دینی و متفاوت از انواع دیگر در حوزه جهانی شدن.

سه. ارزیابی نگاهی متفاوت و از زاویه‌ای دیگر به سیره سیاسی امام خمینی (ره)، توسعه نظری و آینده‌نگرانه از سیره و آرمان بنیانگذار انقلاب اسلامی و در نتیجه توسعه این حوزه نظری از اندیشه سیاسی اسلام.

ب) اهداف کاربردی

یک. فراهم کردن امکان تطبیق عملکرد جمهوری اسلامی و جهان اسلام و سایر ملت‌ها و دولت‌های همسو با انقلاب اسلامی با نظر و عمل امام خمینی و مقایسه وضع موجود با الگوی ارائه شده امام.

دو. کمک به مراجع تصمیم‌گیری در سطح ملی و جهان اسلام برای حرکت در راستای الگوی جهان‌گرایی امام و توجه جامع و جدی به این

رسالت دینی و تلاش برای اصلاح روندها و رویکردها، شناخت نقاط قوت و ضعف.

دانشگاه‌ها و مراکز علمی پژوهشی، مؤسسات نشر آثار و اندیشه‌های امام خمینی، دولت و نظام جمهوری اسلامی و سایر کشورهای اسلامی، جنبش‌ها و جریان‌های اسلامی و آزادی‌بخش همراه با انقلاب اسلامی، سازمان‌هایی همچون کنفرانس اسلامی، تقریب مذاهب اسلامی، مجمع جهانی اهل البیت و غیره از جمله مراکزی هستند که می‌توانند از نتایج این پژوهش بهره‌گیری نمایند.

نوع و روش انجام تحقیق: این تحقیق از نوع نظری کاربردی و به روش توصیفی تحلیلی است و برای گردآوری اطلاعات نیز از روش اسنادی استفاده شده است.

۵-۱. ساختار تحقیق

فصل اول. صورت‌بندی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): در این قسمت به اختصار به تعریف مسأله، اهمیت و سؤال‌های اصلی پژوهش، سابقه و ضرورت پرداختن به چنین پژوهشی، فرضیه تحقیق، اهداف نظری و کاربردی آن، نوع و روش تحقیق، ساختار و تعریف برخی واژگان کلیدی پرداخته شده است.

فصل دوم. صورت‌بندی اندیشه سیاسی امام خمینی (ره): در این فصل به صورت مختصر و متناسب با موضوع پژوهش به تبیین مبانی اندیشه امام پرداخته شده است. از آنجا که ریشه تفاوت مکاتب و نظام‌ها را بایستی در تفاوت‌های مبنایی آن‌ها جستجو کرد، در موضوع مورد بحث در این تحقیق نیز زمانی می‌توان تفاوت انواع جریان‌های جهانی‌شدن و رویکردهای

جهان‌گرایانه را به خوبی شناخت و اختلافات و تفاوت‌های آن‌ها را نمایان کرد که درک درستی از مبانی نظری آن‌ها داشته باشیم. لذا تبیین مهم‌ترین مباحث صورت‌بندی اندیشه امام شامل روش‌شناسی، شناخت‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غایت‌شناسی ضروری و بسیار با اهمیت است و در درک الگوی جهان‌گرایی اسلامی ایشان نقش بسزایی دارد. لذا در حدتوان و متناسب با موضوع به آن پرداخته شده است.

فصل سوم. رویکرد جهان‌گرایی اسلامی امام خمینی(ره): در بخش اول ابتدا جهان‌گرایی اسلامی مورد تحلیل قرار گرفته است. آنگاه تلاش شده است به علت اهمیت موضوع ضمن معرفی مختصری از رهیافت جدید غرب در مقوله جهانی شدن، برخی تفاوت‌های این رقیب پر قدرت را با جهان‌گرایی اسلامی بیان کنیم. در بخش دیگر و متناسب با حجم تحقیق، ابتدا انواع رویکردهای جهان‌گرایانه اسلامی مقارن نهضت اسلامی امام در ایران و مؤلفه‌های آن‌ها معرفی شده است. سپس با توجه به سیره سیاسی امام به نقد این رویکردها پرداخته شده و در نهایت رویکرد جامع جهان‌گرایی امام معرفی و در قالب یک تئوری استوار می‌شود. تلاش شده است با بهره‌گیری از دو رهیافت، ریشه‌های تفاوت‌های این رویکردها بیشتر مورد واکاوی قرار گیرد. در بخش سوم این فصل، نقشه راه جهان‌گرایی اسلامی امام در قالب صدور انقلاب تعریف و تبیین شده است.

فصل چهارم. ارکان الگوی جهان‌گرایی امام خمینی(ره): در این فصل رویکرد جامع جهان‌گرایی اسلامی امام خمینی در قالب یک الگو طراحی شده است. این الگو سه پایه دارد که در واقع سطوح سه‌گانه رویکرد امام را پوشش می‌دهند و هر یک مبتنی بر یک تئوری می‌باشند.

بخش اول تشکیل و تحقق حکومت اسلامی کارآمد در سطح ملی را به عنوان رکن اول و مقدم الگو، همراه با ارایه یک نظریه تشریح می‌کند. بخش بعدی، پایه دوم الگو را در سطح منطقه‌ای تحت عنوان وحدت امت به همراه تئوری آن در خود جای داده است. در بخش سوم، سطح جهانی الگو در شکل رکن سوم با عنوان طلب اصلاح در نظام بین الملل توضیح داده می‌شود. نتیجه‌گیری: در این قسمت ضمن جمع بندی و ارایه اهم مباحث ارائه شده، برخی دیدگاه‌های نگارنده در مورد نتایج حاصل از این پژوهش و موضوعات مرتبط با آن در قالب بهره‌ها بیان شده است.



صورت‌بندی اندیشهٔ سیاسی امام خمینی (ره)

مقدمه

بنیان اندیشه هر اندیشمندی بر مبانی نظری او استوار است. این مبانی، محصول نوع نگاه و پاسخ وی به مهمترین مسائل فکری انسان است. چپستی، امکان و چگونگی شناخت و روش‌های کسب آن، هستی، انسان، جامعه و غایت آنها، اصیل‌ترین این سؤالات است که نوع معرفت ارائه شده نسبت به آنها، صورت‌بندی یک دستگاه اندیشه را ارائه می‌کند.

روشن است که تنوع و تفاوت مکاتب فکری مختلف، نشأت گرفته از تفاوت این صورت‌بندی‌های اندیشه‌ای به مثابه مبانی نظری صاحبان آنهاست که بدون دریافت واقعی آنها نمی‌توان به درستی یک مکتب را شناخت. اجزاء اصلی این تصویر شامل شناخت‌شناسی، روش‌شناسی، هستی‌شناسی، انسان‌شناسی، جامعه‌شناسی و غایت‌شناسی می‌باشد.

صورت‌بندی اندیشه

فرجام‌شناسی ⇨ جامعه‌شناسی ⇨ انسان‌شناسی ⇨ هستی‌شناسی ⇨ روش‌شناسی ⇨ شناخت‌شناسی

لذا در جهت ارائه تصویر مناسبی از اندیشه‌های سیاسی امام خمینی^۱ لازم است دیدگاه‌های ارائه شده از سوی ایشان در این عناوین مورد بررسی قرار گیرد. موضوع این پژوهش، ضرورت ارائه صورت‌بندی اندیشه ایشان را مضاعف می‌کند.

۲-۱. شناخت شناسی

بررسی شناخت، یکی از مهم‌ترین حوزه‌های سؤال‌برانگیز بشر در تاریخ حیات او بوده است. چنان‌که بخش مهمی از تلاش نظری مکاتب و اندیشمندان را جهت تبیین آن به خود اختصاص داده است. امکان یا عدم امکان شناخت جهان خارج از ذهن، قابلیت انتقال چنین شناختی، منابع، ابزارها و روش‌ها و راه‌های کسب شناخت، اعتبار سنجی گزاره‌های معرفتی و عناوینی از این دست اصلی‌ترین اجزاء معرفت شناسی را تشکیل می‌دهند (دیوید و هاملین، ۱۳۷۴: ۱).

۲-۱-۱. امکان و روایی معرفتی

نخست این که در نظر امام خمینی (ره) کسب شناخت نه تنها ممکن، بلکه امری است لازم که در هدف متعالی خلقت انسان سهم بسزایی را تشکیل می‌دهد (خمینی، ۱۳۷۲: ۱۲۷، ۱۵۲، ۱۵۵ و ۱۸۵؛ خمینی، ۱۳۷۶: ۳۳). *أَوَّلُ الدِّينِ مَعْرِفَتُهُ* (نهج البلاغه: خطبه اول). در لسان قرآنی نیز آیات مربوط به داستان آدم و شایستگی تعلیم اسماء الهی، یعنی حقایق آفرینش و نیز دعوت

۱. لازم به ذکر است که در این تحقیق منظور از اندیشه سیاسی امام خمینی اعم از سیره نظری و عملی یعنی پیش، گرایش و روش سیاسی ایشان می‌باشد.

انسان به تعقل، تفکر و شناخت عالم، دلالت بر امکان شناخت دارد (نصری، ۱۳۸۵: ۴۱-۴۰).

نکته دوم این که امام به عنوان یک حکیم مکتب متعالیه، قائل به اعتبار و روایی انواع معارف است. بسیاری از مکاتب و اندیشمندان تنها حوزه شناخت خاصی را معتبر می‌شناسند. معمولاً فلاسفه تکیه بر شناخت عقلی دارند. اخباری‌ها معرفت ناشی از نقل را معتبر می‌دانند. اندیشمندانی همچون هیوم در غرب تنها شناخت تجربی را قابل اعتماد بر می‌شمردند و در مقابل اشراقی‌هایی همچون برگسون، راه شهود را جهت نیل به شناخت حقیقی در پیش روی انسان قرار می‌دهند (هاملین، ۱۳۷۴: ۶، ۷۳ و ۱۰۶-۱۰۵).

امام خمینی (ره) این انواع شناخت‌شناسی تک بعدی را ناشی از دو عامل حجاب علمی و عدم تهذیب نفس می‌داند:

«فقیه خیال می‌کند غیر فقه چیز دیگری نیست در عالم، عارف هم خیال می‌کند غیر عرفان چیزی نیست، فیلسوف هم خیال می‌کند غیر فلسفه... این حجاب بزرگی است برای همه، حجاب‌های زیادی هست که غلیظتر از همه همین حجاب علم است» (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۳۹-۱۳۸).

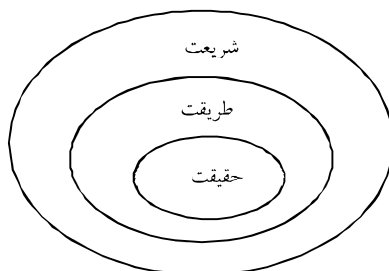
امام با توجه به نوع روش شناسی خود، انواع معارف تجربی، فلسفی، شهودی، نقلی و حیانی را البته با درجات متفاوت ارزش، دارای اعتبار می‌داند. اصولاً در این دیدگاه معارف مختلف به‌خودی‌خود هدف غمایی نیستند بلکه وسیله و ابزار نیل به مقصد حقیقی و تهذیب نفوس‌اند. لذا تا زمانی که چنین نقشی را ایفا کنند هیچ تعارضی با هم ندارند. اما زمانی که هدف نفوس آلوده و مغرور واقع می‌شود، از عالم نورانی علم به حجاب دنیای ظلمانی منتقل و عامل دوری از مقصد می‌شوند (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴۱-۱۴۰).

(۱۳۹). از این روایی انواع معارف، اصل چند بعدی بودن شناخت در دیدگاه امام حاصل می‌شود.

۲-۱-۲. مراتب شناخت

در معرفت‌شناسی امام، هر نوع شناختی جایگاه خاص خود را دارد و نقش مختص به خود را در نزدیک ساختن انسان به حقیقت و مبدأ کمال ایفا می‌کند. معارف چهارگانه تجربی، برهانی (عقلی)، شهودی و وحیانی در یک سلسله مراتب رتبی، از پایین به بالا قرار دارند که مرحله پایین تر می‌تواند مقدمه مرحله بالاتر نیز قرار گیرد. در سیر صعودی شناخت، معارف در مراتب بالاتر، ارزش ایقانی و اطمینان بخشی بیشتری نیز دارند (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۲۹). لذا هیچ‌گاه ارزش معرفت تجربی قابل مقایسه با معرفت عقلانی یا وحیانی نیست. اسلام به علوم طبیعی نظر استقلالی ندارد، اسلام طبیعت را برای واقعیت مهار می‌کند و همه را رو به وحدت و توحید می‌برد. چنانکه جنبه معنوی علوم طبیعی در قرآن مورد توجه است و امر به تعقل در قرآن برای سیر محسوس به معقول است و این عالم تعقل است که اصالت دارد و عالم طبیعت شبحی است از آن عالم (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۴۳۴-۴۳۳).

در مسیر معرفتی، حرکت از پوسته به مغز قابل تصور است. شناخت تجربی و معرفت‌های حقوقی فقهی، پوسته و معارف عقلی، شهودی و وحیانی به ترتیب لایه درونی تر را نسبت به هسته مرکزی حقیقت تشکیل می‌دهند (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۶۱-۱۵۹).



نکته دیگر اینکه در نظر امام، معیار خطاناپذیر و محک ارزش‌گذاری شناخت‌های حاصل‌شده، وحی می‌باشد که خود عامل شناخت و مشرف بر سایر انواع دیگر است. چنان‌که پای چوبین عقل را یارای سفر در بسیاری از منازل نیست.

«فلاسفه مثلاً یک زبان خاص خودشان دارند،...زبان عرفا هم خاص به خودشان است...فقها هم اصطلاحات خاص به خودشان را دارند،...باید ببینیم... کدام زبانشان نزدیکتر به زبان اهل عصمت... به زبان وحی است» (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۷۶).

امام خمینی مسیر کسب علم و معرفت به دور از خطا و مطابق با حقیقت را که از آنها در ادبیات دینی تعبیر به نور شده است چنین ترسیم می‌کند که نیل به آن تابع ارتباط نفس انسان با عوالم غیب است. مقدمه این القا تصفیه نفس، نیت و قصد است که نتیجه آن صفای باطنی و ارتباط برقرار کردن نفس با عالم عقل و غیب است، در این حال است که القای رحمانی صورت می‌گیرد. در طرف مقابل وقتی نفس ناپاک، با عالم ملکوت اسفل، شیاطین و غیره ارتباط پیدا کند، القائات شیطانی که از قبیل جهل مرکب و حجاب‌های ظلمانی است دریافت می‌کند. لذا میزان در کسب علم،

مفاهیم و اصطلاحات علمی نیست بلکه کناررفتن حجاب از چشم بصیرت و فتح باب معرفت‌الله است (خمینی، ۱۳۷۶: ۳۷۳-۳۷۲).

از طرفی در منظر امام خمینی، چنان‌که در حکمت فارابی بیان شده است همه معارف، با وجود اختلاف رتبی، دارای حقیقت واحد می‌باشند. بنابراین ایشان قائل به وحدت حقیقی معارف فلسفی، شهودی و حیانی و غیره در عین کثرت آنها می‌باشند و اختلاف تعبیرات به معنای تضاد حقایق معرفتی آنها نیست (خمینی، ۱۳۷۶: ۵۳۱).

۲-۲. روش شناسی

روش در معرفت‌مباحث بسیار مهمی را ذیل موضوعات شناخت‌شناسی و فلسفه علم به خود اختصاص داده است. چنان‌که به درستی بدون تصور صحیح روش شناسی یک معرفت نمی‌توان آن را درک کرد، لذا نگاهی هر چند گذرا به روش شناسی امام نیز الزامی است. هر دو روش از دو جزء اصلی ماده و صورت تشکیل می‌شود که قوام آن به صحت و استواری هر دو جزء بستگی دارد.

۲-۲-۱. جامعیت روشی

مهم‌ترین ابزارهای در اختیار انسان برای شناخت شامل حس، عقل، قلب و وحی است که از آنها به ترتیب روش‌های تجربی، برهانی، اشراقی و وحیانی حاصل می‌شود.

روش‌شناسی امام خمینی دارای ویژگی‌های خاص خود است. اولاً ایشان اهمیت روش در معرفت را مورد نظر قرار داده‌اند. ثانیاً روش‌شناسی ایشان را می‌توان از نوع جامع معرفی کرد. بدین معنی که ایشان نگاه

صورت‌بندی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام □ ۳۱

تک‌بعدی به روش شناخت را نمی‌پذیرد. منابع و ابزار و روش شناخت امام متنوع می‌باشد. وی به کارگیری و توسل به یک روش خاص را در حوزه معرفت نه صحیح می‌داند و نه چنان شناختی را جامع و مطابق با کلیت حقیقت. این امر در حوزه معرفت دینی اهمیتی مضاعف می‌یابد.

«فقیه حق ندارد بگوید که من اسلام شناسم، فقیه باید بگوید من فقه شناسم، فیلسوف حق ندارد بگوید من اسلام شناسم، این بگوید من یک قسمتی از مثلاً معقولات اسلام را درک کرده‌ام... ادعای اسلام شناسی جز برای آنکه همه جهات اسلام را بدانند چه جوری است...» (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۸: ۵۳۱).

بنابراین امام قائل به بهره‌گیری از همه روش‌ها، متناسب با حوزه معرفتی جهت نیل به شناخت کامل‌تر و مطابق با حقیقت می‌باشد.

سومین ویژگی این‌که، در منظر امام این منابع و ابزارها در روش‌های شناخت به لحاظ ارزشی یکسان نیستند؛ زیرا اعتبار نتایج حاصل از آنها در یک سطح نمی‌باشد. لذا به ترتیب روش‌های وحیانی، اشراق، برهانی و تجربی اولویت ارزشی دارند. چنان‌که معرفت حاصل از روش وحیانی میزان سنجش و پشتوانه سایر معارف ناشی از سایر روش‌ها خواهد بود (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۹۳).

۲-۲-۲. تلازم و رابطه روش‌ها

امام در مورد هر یک از این روش‌ها نکاتی را بیان می‌دارد. وی معتقد است روش فلسفی مطلوب ذاتی نیست. بلکه وسیله‌ای است برای رساندن معارف با برهان به عقل. این روش نمی‌تواند در همه حوزه‌های معرفتی وارد شود و

ایجاد شناخت کند که پای استدلالیان چوبین بود. البته امام اهمیت عقل را علاوه بر مطلوبیت روشی، حضور آن در همه روش‌های دیگر می‌داند. چنان‌که روش تجربی، ترکیب یافته‌های تجربی و استدلالات عقلانی است. عقل در مواقعی به عنوان معیار سنجش معارف ذوقی وارد عرصه می‌شود. در عرفان نظری، زبان استدلال عقلی، یافته‌های کشفی را تبیین می‌کند (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲؛ جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۳۴). آموزه‌های وحیانی نیز دارای تلازم حکمی کامل با استدلال عقل سلیم است.

در روش نقلی امام معتقد است، بخصوص آنجا که مربوط به حوزه کنش عملی است از جمله در معارف دینی، علاوه بر تکیه بر میراث گذشته، می‌بایست به مقتضیات زمانی و مکانی و دیگر یافته‌های عملی بشری توجه لازم را داشت (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۳۸۰). روش ذوقی (شهودی) در اندیشه امام جایگاهی والا دارد. در این روش قلب سالک به عنوان مرکز عواطف، ایمان و باور از طریق تهذیب نفس و سیر سلوک نفسانی می‌تواند به حقایقی بالاتر از ادراک عقلانی دست یابد. البته از این مرتبه بالاتر هم وجود دارد (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۴۳).

ای عشق ببار بر سرم رحمت خویش این عقل را زها کن از رحمت خویش
از عقل بریدم و به او پیوستم شاید کشدم به لطف در خلوت خویش

این عنصر عشق است که سیر کشف را هموار می‌کند و در نظر امام این وادی بسیار قدرت‌بخش و جلب‌کننده امدادهای و تحفه غیبی الهیه است؛ چنان‌که قدرت‌های ظاهری مادی در مقابل آن ناتوانند. البته صحت و سقم یافته‌های شهودی از طریق عقل و شرع عمدتاً با محک وحی الهی ارزیابی می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۳).

صورت‌بندی اندیشه سیاسی امام خمینی علیه السلام □ ۳۳

در نگاه امام تجربه نیز که برآیند حس و عقل است بخصوص در حوزه تاریخی و یافته‌های بشری قابل اعتبار است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲).
پندگیری از عبرت‌های تاریخ به عنوان محصول تجربی بشریت بسیار مورد توجه امام است (خمینی، ۱۳۷۸، ج ۱۴: ۴۹۱).

۲-۳. عقلانیت، روش جهانی

در این قسمت به موضوع مهمی در ترسیم روش‌شناسی الگوی جهان‌گرای اسلامی امام اشاره می‌شود.

عقل در نگرش امام دارای جایگاهی بس رفیع است. ایشان در توضیح شعبات سه‌گانه علم در حدیث نبوی که «أَنَّما الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ آيَةٌ مُحْكَمَةٌ أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ، وَ مَا خَلَاهُنَّ فَهُوَ فَضْلٌ»، شعبه اول علم یعنی آیه محکمه را علوم عقلی، عقاید حقه و معارف الهی بر می‌شمرد (خمینی، ۱۳۷۶: ۳۹۱، ح ۲۴).

جایگاه عقل به مفهوم کامل آن در منظر امام چنان است که حتی نشئه برتر حیات انسانی و عالم غیب را مقام روحانیت و عقل می‌داند (خمینی، ۱۳۷۶: ۳۸۶، ح ۲۴). همانطور که ارسطو نیز سه مرتبه انسان را طبیعی، مثالی و عقلانی می‌داند، اگر انسان بتواند خودش را از قوای طبیعی خلاص کند و به قوای عقلیه برسد و مرتبه عقلانیت پیدا کند، درون عوالم طبیعت و حتی برزخ را ببندد و از اشتغال به آنها منصرف شود، آنگاه وجود عقلانی حقایق را درک می‌کند (خمینی، ۱۳۸۱، ج ۳: ۳۱۷-۳۱۸).

از همین جا وارد بحث روش در الگوی جهان‌گرایی امام خمینی می‌شویم. روشن است که در این الگو بایستی یک روش همه‌گیر و جهانی ارائه شود تا زمینه شکل‌گیری فهم مشترک، زبان مشترک و خواست مشترک

را فراهم آورد. این روش کدام است؟ از طرف دیگر این روش می‌بایست برون‌دینی باشد و نمی‌توان از روش‌های دینی چنین انتظاری داشت. از مجموع دیدگاه‌های امام چنین بر می‌آید که عقل‌توانایی این مأموریت را دارد. لذا می‌توان در این الگو عقلانیت را به عنوان روش جهانی برگزید. یک سؤال مهم مطرح می‌شود که این عقلانیت چه ماهیتی دارد؟ وجه تمایز آن با عقلانیت ابزاری اندیشه‌های اومانیستی تمدن غرب کدام است؟

روشن است که عقل خود بنیاد و عقلانیت ابزاری با عقلانیت جوهری و عقل دینی مورد نظر امام دارای تفاوت‌های ماهوی بسیاری هستند. پس این عقلانیت چگونه خواهد توانست یک روش جهانی ارائه دهد و یک زبان مشترک را به وجود آورد؟

راه در این است که مبادی اولیه را از یک منبع جهان‌شمول و همه‌گیر گرفت. راه باز هم به فطرت می‌رسد. عقلانیت اسلامی عمدتاً بر مبادی اولیه فطری استوار است. لذا فطرت به عنوان داشته مشترک انسانی توانایی جهانی کردن روش عقلانیت را داراست. این فاصله بین عقلانیت‌ها را باید در توافق بر سر یکسری اصول اولی محکومات فطری است، که پیش همه حق است پر کرد.

«بدیهیات و اولیات نشأت‌گرفته از گزاره‌های فطری است. چه بدیهیات که دانش‌های استدلال پذیرند ولی به استدلال نیاز ندارد و چه اولیات که نه نیاز به استدلال دارند و نه استدلال پذیرند و فوق بدیهی است» (جوادی آملی، ۱۳۸۴: ۱۲۶-۱۲۷).

این گزاره‌ها توانایی تشکیل قالب یک عقلانیت راستین را دارا هستند. لذا عقلانیت در الگوی امام خود را به مبادی فطری استوار می‌سازد و سایر

گروه‌های هدف و مکاتب صاحب اندیشه را دعوت می‌کند به مبادی فطری برگشته و بر مبنای آن عقلانیت خود را استوار کنند.

بنابراین «عقلانیت فطری به مثابه روش جهانی» است. عقلانیت فطری قدر مشترک همه عقلانیت‌ها از جمله عقلانیت دینی و عقلانیت ابزاری است. در این روش گزاره‌های فطری به عنوان بدیهیات و اولیات پذیرفته شده و هیکل برهان بر آن استوار می‌شود.

۲-۳. هستی‌شناسی

در مباحث بودشناسی (هستی‌شناسی) از ماهیت هستی، گستره آن، فلسفه آفرینش، قوانین و سنن حاکم بر جهان، نوع نظام جاری در خلقت و غیره سخن به میان می‌آید. بودشناسی امام در مکتب حکمت متعالیه جای می‌گیرد، و نوع شناخت وی از هستی متأثر از نوع روش‌شناسی بخصوص ویژگی تنوع روشی ایشان است.

موضوع اصلی مباحث بودشناسی وجود یا هستی است. در شناخت فلسفی مطلق وجود از واجب الوجود تا آخرین مراتب وجودی و در شناخت عرفانی وجود مطلق مورد توجه است. لذا هستی به دو بخش آفریننده و آفرینش (مخلوقات) تقسیم می‌شود (جمشیدی، ۱۳۸۴: ۱۴۸).

در فهم چیستی خلقت و هستی امام منبعث از آموزه‌های دینی و فلسفه اسلامی معتقد است جهان دارای دو بعد اصلی است؛ غیب و شهود، محسوس و معقول، طبیعت و ماوراءطبیعت. البته هم به لحاظ ارزشی و هم صعوبت شناخت، بعد معقول، غیبی و ماورائی در رتبه بالاتر از بعد شهودی، محسوس و طبیعی قرار دارد (خمینی، ۱۳۷۶: ۱۸۲؛ خمینی، ۱۳۷۸، ج ۲۱: ۲۲۲).